

یاد داشت سردبیر

نوآوری چیست؟

(۲)

دکتر حمزه گنجی

گاهی اتفاق می افتد که انسان برای حل مشکلات خود، راهبردهای تازه‌ای کشف می کند. این جاست که از نوآوری سخن به میان می آید. در این هنگام خیال می کنیم که حتماً باید موضوع تازه‌ای مطرح کرد، موضوعی که قبلاً درباره آن سخنی گفته نشده است. همین طور، وقتی از تعلیم و تربیت نوین یا نوآوری آموزشی صحبت می کنیم، چنین به نظر می رسد که هرچه تا به حال بوده است، باید کنار گذاشته شود و برای حل مسائل آموزشی، راه حل های کاملاً تازه‌ای به وجود آید. واقعیت این است که انسان ها در هر دوره‌ای، از نوآوری صحبت می کنند و می خواهند برای حل دشواری های خود، راهبردهایی ابتکاری به وجود آورند. اما می توان گفت که در عصر حاضر، بیش تر از همیشه به نوآوری، مخصوصاً نوآوری آموزشی نیاز است. زیرا پیشرفت انفجاری فناوری و وسایل ارتباط جمعی در حدی است که عدم هم گامی با آن ها موجب عقب ماندگی خواهد شد.

همه از نوآوری سخن می گویند، همه می خواهند برای حل دشواری های خود، راهبردهای ابتکاری بیابند. اما در تعریف نوآوری اتفاق نظر ندارند. به عقیده گروهی از روان شناسان که «روان تحلیل گران» نامیده می شوند، نوآوری همان تصعید^۱ است. تصعید یعنی: جابه جایی تمایلات درونی در جهت تعالی یک هدف اجتماع پسند و سطح بالا.

اما انسان گرایان، نوآوری را معادل «خود شکوفایی»^۲ می دانند و می گویند، انسان ها می توانند توانایی های خود را رشد دهند و مطابق زمان پیش بروند. گروه دیگری از روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت که به مطالعه هوش و عوامل تشکیل دهنده آن می پردازند، معتقدند که نوآوری یعنی «تفکر واگرا»^۳.

تعریف اخیر، یعنی: «معادل دانستن نوآوری با تفکر واگرا»، را اکثریت قریب به اتفاق روان شناسان و مربیان تعلیم و تربیت می پذیرند. تفکر واگرا یعنی بیرون رفتن از چارچوب یا از قالب موجود و در حاشیه فکر کردن؛ تفکر واگرا یعنی: انحراف از افکار سنتی و کاملاً دیکته شده. برای روشن تر شدن این مفهوم مثالی آورده می شود: «در تعلیم و تربیت نسل آینده کشور، محسوب می شوند: عوامل، متدهای متعصبانه فردی از شما می پرسد: «مشهورترین اسب دنیا چه نام دارد؟» پاسخ شما می تواند چنین باشد: رخش،

